



پنجشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۹ = ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ = ۲۸ ژانویه ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۲۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۷

اذان صبح فردا ۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۷:۰۷

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌نروا

ارتفاعات بالای دو هزار متر چهارمحال‌و‌بختیاری به مکانی مناسب برای برپایی اردو‌های ماهی‌ورزشی تبدیل شده است. عکس مهرداد صفیریورده‌گردی، مهر



خبر

دکتر فاوجی: زدن ۲ ماسک روی هم برای جلوگیری از شیوع کرونا خوب است
یورنیوز: آنتونی فاوجی، رئیس مؤسسه ملی آلرژی و بیماری‌های عفونی ایالات متحده آمریکا، استفاده از دو ماسک به‌جای یک ماسک را برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا مفید دانست. فاوجی در پاسخ به پرسشی درباره تأثیر زدن دو ماسک در جلوگیری از انتشار ویروس کرونا گفت: «ماسک‌ها پوشش‌های فیزیکی هستند که جلوی انتقال ذرات معلق تنفسی از ناشر به افراد دیگر را می‌گیرند. ماسک، جلوی انتقال این‌ ذرات به‌کاربر را می‌گیرد؛ به‌این‌ترتیب، اگر یک لایه پوشش فیزیکی دارید و یک لایه دیگر به آن بیفزایید، این محافظت افزایش می‌یابد. این پرسش در حالی مطرح می‌شود که به گزارش ان‌بی‌سی، از زمان مراسم تحلیف جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا، در هفته گذشته زدن دو ماسک در این کشور رواج یافته است. میلیون‌ها ببیننده این مراسم شاهد آن بودند که آماندا گورمن، شاعر و پت بودج، نامزد وزارت حمل‌ونقل

دولت بایدن، یک ماسک جراحی و یک ماسک پارچه‌ای روی آن زده بودند. نتایج یک پژوهش در ایالات متحده آمریکا نشانگر تأثیر بیشتر استفاده هم‌زمان از یک ماسک جراحی به‌عنوان فیلتر و یک ماسک پارچه‌ای برای افزایش حفاظت و ثابت‌نگهداشتن ماسک جراحی روی صورت است. روز ۱۵ ژانویه یک راهنمای عمومی استفاده از ماسک، پوشاندن صورت در مکان‌هایی که حفظ فاصله اجتماعی در آنها ممکن نیست، مانند هوایما یا فرشگاه‌ها را توصیه کرد.

فعالیت بدنی روزانه، مصرف همیشگی مواد غذایی سالم تازه و فرآوری نشده، و مراجعه به پزشک برای تشخیص زودهنگام، سه کار ساده و مهم برای پایین آمدن خطر ابتلا به بیماری سرطان هستند

#۱۸*۷*۷۳۳*

من از سرطان آگاه‌ترم

فعالیت بدنی روزانه، مصرف همیشگی مواد غذایی سالم تازه و فرآوری نشده، و مراجعه به پزشک برای تشخیص زودهنگام، سه کار ساده و مهم برای پایین آمدن خطر ابتلا به بیماری سرطان هستند

موسسه غیرمربو به‌نام‌دهش روز خدایت‌بهاران منت‌العلمین سرطان بنام‌نارنجی‌ها Behnam Charities Charity Organization

دیگر digar.group

هفته‌ملی سرطان جهنم ۱۳۹۹



برنی سنדרز چه نقشی خواهد داشت

که به دلخوشی‌های عوامانه و افکار ناخوشایند راست‌گرایانه راضی نمی‌شند. به بحث‌های فراموش‌شده اصلاحات و عدالت اجتماعی روی آورد که سناتور سنדרز و گروهی از حامیان او منادی آن بودند. حامیان سنדרرز از عوامی نبودند که پیرو موج‌های تحریک‌آمیز باشند بلکه خواهان اصلاحات اصولی اجتماعی و عدالت‌خواهانه فراتر از دولت رفاه و گسترش صدقات و اعانات هستند. اینان با واقع‌بینی آگاه بودند و هستند که جامعه آمریکایی که یک قرن آماج تبلیغات ضدسوسیال و البته واقعیات تهدیدآمیز شوروی بوده است، موضوع اصلاحات اجتماعی در آن کشور را به تابو و امری کفرآمیز بدل کرده است. به همین دلیل حمایت از حرکت ساندرز در دو نوبت نامزدی ریاست‌جمهوری نشان‌دهنده موج تازه و فرابنده‌ای از عدالت‌خواهی و اصلاحات اجتماعی است که پس از ترامپ بسیاری از رای‌دهندگان فرودست حامی او را نیز به خود جلب خواهد کرد. در واقع در انتخابات اخیر حزب دموکرات مرکز تجمع تحول‌خواهان در جامعه آمریکا بوده است. به نظر من آقای سنדרز خودش هم می‌دانست که اگر او نامزد حزب دموکرات می‌شد شکست می‌خورد و نیز دریافته بود که اگر او از نامزدی وزین حمایت کند، این حمایت در پیروزی او نقش خواهد داشت. برزیدنت

آمریکا شماره تأمین اجتماعی هرکس و بیمه و بازنشستگی حقوق‌بگیران بخشی از هویت او بود. سهل‌انگاری دراین‌باره پس از فروپاشی شوروی احساس ایمنی و آرامش و امید را در طبقات گسترده میانی و فرودست آمریکا متزلزل کرده است که موجب آشوب‌های بزرگ خیابانی در

شهرهای بزرگ آمریکا طی دهه گذشته شد. این آشوب‌ها به دلیل عدم رهبری سازمان‌یافته و به دلیل پراکندگی و تفاوت دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان از آتاریسیست‌ها تا نژادپرستان و از سوسیالیست‌ها تا دست‌راستی‌ها نمی‌توانست عامل فشار متمرکزی برای تحولی معنادار باشد. ترامپ با شعارهای عوام‌پسندانه و پوپولیستی توانست افکار بخش مهمی از کشاورزان محافظه‌کار و فرودستان نگران بی‌کاری و آینده را به‌سوی سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های آمریکایی در چین و قایت کالاهای چینی و امتیازات گمرکی اروپا و کانادا و مکزیک و هزینه‌های خارجی و بین‌المللی آمریکا و همچنین سیل مهاجران که جا را برای اشتغال آمریکاییان تنگ می‌کردند، منحرف کند. ترامپ بی‌آنکه از هزینه‌های گزاف نظامی بکاهد به بهای لطمه به حیثیت بین‌المللی آن کشور در زمینه‌های پیشگیرانه و ایجاد اشتغال به موفقیت‌هایی هم دست یافت و توانست آرای کسانی را که معمولاً تمایل به گرایش‌های اجتماعی و چپ دارند با تحریکات ناسیونالیستی و نژادپرستانه به افکار راست افراطی خود منحرف و آرای بخش بزرگی از آن جمعیت عوام را فراتر از وفاداری‌های حزبی به خود جلب کند. اما از سوی دیگر نگرانی‌های بخش آگاه‌تر جامعه



کرونا، اعلام کرد که نباید تحریم‌ها به برخورداری ایرانیان از هرگونه دارو و واکسن برای پیشگیری یا درمان بیماری آسیب رسانند. پس از ترور سردار سلیمانی مخالفت و انزجار خودش را از ترور اعلام کرد و آن را تحریک‌آمیز نامید. زمانی که تهدیدهای ترامپ و قدرت‌های منطقه‌ای خاورمیانه با تجمع و محاصره خطر جنگ را افزایش داد، با هرگونه اقدام جنگ طلبانه به شدت مخالفت کرد. اما گروهی از ایرانیان مقیم آمریکا که به امکان تغییراتی به سود خود به ضرب جنگ و ویران دلبسته بودند، به‌شدت علیه سنדרز و طرفدار ترامپ بودند. در ایران نیز گروهی شاید از روی استیصال یا تحت تأثیر آن گروه آمریکانشین، بدون توجه به اینکه در صورت بروز جنگ خودشان در شمار قربانیان و آسیب‌دیدگان خواهند بود، به پیروزی ترامپ دل بسته بودند اما اکثر ایرانیان خسته از التهاب و زندگی در لبه تیغ تهدید جنگ و خواهان مسالمت و زندگی مقتدران و استقلال در پرتو توسعه و اشتغال امیدوار بوده‌اند که نفوذ و تأثیرگذاری سنדרز و سنדרزگونه بتوانند در دوسوی معادله جهانی اثرگذار باشد و بتوانند آرامش و مسالمت و عقلانیت را جایگزین دلهره و التهاب و تهدید و نگرانی و ناپایداری و ناامیدی نسبت به آینده کند.

حاشیه‌نگار

در احاطه سرمایه

رضا صدیق

را در ساخت باز کند. آن را آلوده به اطوار فرنگی‌بازی یا سطحی‌گری کرد و بامزه‌کردن پول مفت برای کار بی‌اهمیت، او را اسیر خود کرد. سینما نمونه‌ای دم‌دستی و آشکار از آغشته‌شدن زندگی به سیطره فرهنگ و منش سرمایه است. در جزئیات زندگی ما فرهنگ سرمایه بسط پیدا کرده و بدون اینکه بدانیم آن شکل از مواجهه کاملاً انسانی با موضوعات در درونمان کمرنگ شده و جایش را منطق و زینتِ اسلوب سرمایه‌گرفته است؛ اسلوبی که بنا بر حسابگری اجتناب‌ناپذیرش هر رفتاری را در انتها برای آدم شهری میسر و مهیا می‌کند. در مثالی که لعیاً زنگنه برای سینما زد، تغییر نوع نگاه زمانه به‌خوبی مشخص شده است. این نقد یا واگویی، می‌تواند نقش راوی دیروز تا امروز سینمای ایران در مسیرش باشد.
تغیر محیط همدلی برای انجام فعلیتی به محیطی برای درآمد و بازگشت سرمایه، اولی محتوایش به نسبت ذهنیت سازنده در تلاش برای تصویرسازی یک ذهنیت است و دومی به دنبال طراحی کالایی برای فروش به مخاطب. بالطبع تفاوت‌های ماهوی خروجی نوع نگاه اول که مثال‌هایی از آن نیز در تاریخ سینمای به‌خصوص بعد انقلاب مشهود است، با خروجی سبک دوم است که اکنون جریان دارد و نیاز به توضیح و تفسیر ندارد. این شکل از مماس بودن با خواست‌های سرمایه، این دودین‌های مدام و نرسیدن به ایدئال ترسیم‌شده از سوی آورندگان سرمایه، آن‌هم در قاب تبلیغات دهن‌گشاد و شاد رسانه‌ها و تزریق کالا پشت کالای- از کالای فرهنگی تا کالای اعتقادی تا کالای تفریحی و... . این شکل با آنچه در تعریف عرف به توافق رسیده که به آن زندگی بگویند و آنچه به‌عنوان زندگی خوش، رفح نیاز و قناعت، ایمان و تکامل انسانی ترسیم شده است، تفاوت بسزایی دارد.

سلیقه-۵

تفاوت دیکتاتورها و طراحان مد



تورج صابری‌وند

چند حرف تکراری، مقدمه‌ای ضروری برای این نوشته است؛ مد چیست، جز هم‌شکل‌شدن مردم با هم؟ مد شبیه یک فرمان فرمال است که دیکتاتورها دستور می‌دهند. یک توافق جمعی است بر سر اینکه امسال چه چیزی زیبا باشد. مردم یک سال یونیفرمی واحد دارند. هرکس از این یونیفرم تبعیت کند، مد روز است، هرکس نه، ازمدافتاده است. مد یکدست‌شدن مردم از طریق حذف تفاوت‌هاست. تلاشی است برای حذف سلیقه‌های دیگر و مشروعیت‌بخشیدن به یک سلیقه واحد.

سازوکارش چطور است؟ چند شرکت و چند «فشن دیزاینر» تصمیم می‌گیرند همه مردم جهان به شکل خاصی لباس بپوشند. آنها تصمیم می‌گیرند رنگ امسال زرد بدرنگی باشد یا آبی آرام. یا تصمیم می‌گیرند امسال برگ‌های بزرگ تکرنگ مد باشد. کافی است توزیع شود. کافی است عکس‌های بزرگ مردان و زنان اغواگری که به دوربین نگاه نمی‌کنند، در اندازه‌های بزرگ چاپ و زیرش به انگلیسی نوشته شود ۲۰۲۱، چنان گویا است که نیازی به توضیح و حتی نوشتن شعار تبلیغاتی هم نیست. همه دستور را دریافت کرده‌اند. با کافی است مانکن‌های بی‌چهره سفیدوسیاه وپتین‌ها، همه یک‌رنگ باشند؛ بلافاصله فروش آن رنگ بیشتر می‌شود. کافی است مردم بفهمند چه چیزی مد است؛ بلافاصله در چشم‌شان زیبا خواهد آمد.

اما آیا مگر مدهایی که اعلام می‌شود، بی‌سلیقه‌اند؟ نه! مدها به واسطه اینکه دیزاینرهای کاربلدی آنها را دیزاین می‌کنند، عمدتاً بی‌سلیقه نیستند. ایراد مد در بی‌سلیقه‌بودن آن نیست، ایراد مد در بی‌سلیقه‌بودن است. درحالی‌که انتظار می‌رود مردم سلیقه را یاد بگیرند و آن را نه در لباس، بلکه در تمام کار و زندگی‌شان جریان دهند و کیفیت فرمال زندگی‌شان را ارتقا دهند و بتوانند و بفهمند که موسیقی خوب چیست و خانه زیبا چیست و زبان ادب چیست و هرکسی بتواند سلیقه فردی را بر اساس روحیات خود بشناسد و بسازد. مد می‌آید، می‌گوید «نمی‌خواهد شما فکر کنید، از این قاعده پیروی کنید، نتیجه‌اش باسلیقه است». البته درست می‌گوید، اما مانع یادگیری و تفاوت‌های فردی است. کسی نمی‌تواند سلیقه فردی خود را پیدا کند، جز آنکه نخست خود را بشناسد. برای اینکه به سلیقه توانا شویم، نخست باید بفهمیم ارزش‌های آرمانی ما چیست؟ بعد از آن، شکل و فرم سلیقه‌مان را هم پیدا کنیم. وقتی مد می‌گوید همین شکل و همین فرم را بپوشید، در واقع دارد مانع آن فهمیدن و جست‌وجوی درونی می‌شود. مد ناخواسته مانع فکرکردن است، وگرنه مد که با فهم و فکر و فرق مردم کار ندارد، او فقط با فروش سروسری دارد. پیش از خلق مد جدید و پیش از تبلیغ می‌سجد و می‌بیند که گرایش‌ها، ترندها و مدها به چه سمت‌وسویی هستند و متناسب با آن تولید می‌کند. می‌یابد که مردم کدام منطقه بامیلشان چیست، همان را تولید و به خوردشان می‌دهد. عین همان پنیرفروشی که پنیرهایش را با ذائقه خریداران تنظیم می‌کند؛ او با فکر و فرق مردم کاری ندارد و البته همین گناه اخلاقی اوست. مردم برای مد، سیاهی‌لشکر خرید است.

اما مردم هرچه در زندگی روزمره از مد فرمان بیشتری ببرند، یعنی تنبل‌تر هستند؛ تنبل‌تر در تلاش برای فهمیدن خود، کوشش برای یافتن سلیقه خود. پیرو مد بودن اعتراف به این است که حوصله نداریم؛ همان‌طور که حوصله آشپزی نداریم و غذای فست‌فود می‌گیریم، مد هم یعنی حوصله فکرکردن و پیداکردن فرم و فرق خود را نداریم؛ سسر راه یک چیز آماده‌ای را می‌گیریم و می‌پوشیم. وقتی این قاعده فکر و رفتاری ما باشد و به آن خو کنیم، چطور می‌توانیم تابع مدهای فکر نباشیم؟ کسی که مد را از تلویزیون یاد می‌گیرد، رفتارش هم با آن بست می‌شود. هرچه سریال‌های آیکی نشان دهند، شبیه آن می‌شود. پیروی مد در لباس به‌زودی به پیروی فکر در فهم هم می‌رسد. مد دست‌گرمی و آماده‌شدن برای چنین چیزی است. دیکتاتورها هم همین روش را دارند، اما اقبال زیادی نمی‌یابند؛ چون ظرافت آن را بلد نیستند؛ چون بدسلیقه‌اند. فرمان می‌دهند و انتظار اطاعت دارند. تفاوت دیکتاتور و مد در این است که مد دستوری را می‌دهد که خوشایند مردم است و قبلاً سنجیده و تحقیقات بازار هم کرده تا مطمئن شود که دستور اطاعت می‌شود. این هوشمندی مد است که دیکتاتورها ندارند. گرچه حرف حساب این نوشته این است که از دیکتاتوری مد اطاعت نکنیم، اما حرف مجوز بی‌سلیقهگی هم نیست، بلکه موضوع برعکس است؛ موضوع این است که سلیقه خود را پیدا کنیم تا تمرینی برای فهمیدن فکر و فرق خود باشیم، نه اینکه سلیقه شخصی را رها کنیم و مهر‌رنگ جماعت شویم و نه به این معنا که مد را رها کنیم و بی‌سلیقه شویم. بی‌سلیقهگی، بی‌ادبی است.